

رویکرد نیمه‌پارامتری بیزی به خوشبندی رگرسیونی کودکان و نوجوانان ایرانی بر اساس ریسک ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت

الهه شمس^۱، ریحانه ریخته‌گران^۲، رویا کلیشادی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: در این مقاله، خوشبندی رگرسیونی (Regression clustering) با استفاده از فرایند دیریکله (Dirichlet process) جهت به دست آوردن بینشی جامع از الگوی سلامت کودکان و نوجوانان بررسی شده در مطالعات ملی ایران، درنظر گرفته شد. در این رویکرد به خوشبندی، ضمن این که تأثیر عوامل مزاحم، حذف و تحلیل‌های دقیق‌تری از وضعیت افراد به دست می‌آید، تعداد خوش‌ها و الگوهای موجود در داده‌ها نیز تخمین زده می‌شود. در این پژوهش، خوشبندی افراد نمونه از نظر دو شاخص چربی خون و قند خون، مدنظر قرار گرفته و میزان تأثیر شاخص تن‌سنجدی (Anthropometric)، رده سنی و جنسیت بر نحوه خوشبندی افراد، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

روش‌ها: به منظور برآوردهای مجھول مدل، با رویکرد بیز (Bayesian approach) به مسئله، از روش‌های شبیه‌سازی مونت کارلوی زنجیر مارکفی (Markov chain Monte Carlo) در نرم‌افزار اپن‌باگر (Open Bugs) استفاده شده است. به‌منظور به دست آوردن بینش مناسب در رابطه با تعداد الگوهای افراد در معرض خطر بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت، بر مبنای شاخص چربی خون و قند خون، از فرایند دیریکله استفاده شده است.

یافته‌ها: تأثیر متغیرهای شاخص تن‌سنجدی، رده سنی و جنسیت بر خوشبندی با وارد کردن آن‌ها به عنوان متغیرهای توضیحی در مدل رگرسیونی و درنتیجه حذف اثر آن‌ها بر خوشبندی، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج منجر به تشکیل سه خوش شد، به طوری که درصد افراد تخصیص‌یافته به خوش‌های ۱ تا ۳، به ترتیب برابر با ۴۷٪ (۱۳۱۰ نفر)، ۴٪ (۱۱۲ نفر) و ۴۹٪ (۱۳۶۶ نفر) شد. با بررسی چارک‌های متغیرهای قند خون و چربی خون، نتیجه می‌شود که افراد قرار گرفته در خوش ۳ که حجم بزرگی از کودکان و نوجوانان نمونه را تشکیل می‌دهند، از لحاظ شاخص چربی خون و نیز قند خون، افراد در معرض خطر محسوب می‌شوند. هم‌چنین افراد خوش اول دارای قند خون و شاخص چربی خون نرمال و افراد خوش دوم دارای قند خون در محدوده خطر و شاخص چربی خون نرمال هستند.

نتیجه‌گیری: در خوشبندی کودکان و نوجوانان از لحاظ دو متغیر قند خون و شاخص چربی خون، متغیرهای جنسیت، رده سنی و شاخص تن‌سنجدی عوامل تأثیرگذار بر تعداد و ساختار خوش‌ها هستند. هم‌چنین، افراد نمونه به سه خوش، افراد با وضعیت نرمال، افراد در ریسک ابتلا به بیماری دیابت و افراد در ریسک بیماری‌های قلبی-عروقی و نیز دیابت، تقسیم‌بندی شدند.

واژه‌های کلیدی: خوشبندی رگرسیونی، فرایندهای دیریکله، رویکرد بیز، قند خون، چربی خون

ارجاع: شمس‌الله، ریخته‌گران ریحانه، کلیشادی رویا. رویکرد نیمه‌پارامتری بیزی به خوشبندی رگرسیونی کودکان و نوجوانان ایرانی بر اساس ریسک ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت. مجله تحقیقات نظام سلامت ۱۳۹۴؛ ۱۱(۲): ۴۲۲-۴۳۴.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۹

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد آمار، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشکده علوم ریاضی، اصفهان، ایران

۲. استادیار، دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه صنعتی اصفهان، ایران (نویسنده مسؤول)

Email: r_rikhtehgaran@cc.iut.ac.ir

۳. استاد متخصص اطفال، دانشکده پزشکی و مرکز تحقیقات رشد و نمو کودکان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

مقدمه

در مطالعه انجام گرفته توسط انسستیتو تغذیه‌ای ایران نشان داده شده است که کیفیت الگوی تغذیه در ایران مناسب نیست به طوری که میزان مصرف قند، شکر، روغن و چربی در سبد غذایی خانواده‌ها، افزایش یافته و مصرف سبزی و میوه، لبنیات و گوشت محدود شده است. توجه به این مطلب و نیز مشاهده شیوع چاقی در جامعه ایرانی، بیانگر عدم تعادل در الگوی غذایی خانواده‌ها است. این مطلب همچنین در بررسی دیگری که توسط دفتر سلامت روانی اجتماعی و مدارس وزارت بهداشت و درمان انجام شده است، مورد تأیید قرار گرفته است، به گونه‌ای که نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که درصد بالایی از سبد غذایی مصرفی خانواده‌ها را میان وعده‌های شور، چرب و شیرینی‌ها تشکیل می‌دهد که در این میان، حساسیت موضوع برای کودکان و نوجوانان، بیشتر است (۱).

نوجوانی به عنوان مرحله گذر از دوران کودکی به بزرگسالی و همراه با تغییرات خاص فیزیولوژیکی، تغییرات روحی-روانی و نیز چesh رشد است که علاوه بر عامل ژنتیک شدیداً متأثر از وضعیت تغذیه‌ای افراد است (۲-۴). الگوی تغذیه‌ای غلط خانواده‌ها باعث افزایش بیش از حد مصرف گروه چربی‌ها و مواد قندی به خصوص در میان کودکان و نوجوانان شده است که این امر یکی از عوامل زمینه‌ساز بیماری‌های قلبی-عروقی، فشارخون بالا و دیابت است. باید به این نکته توجه داشت که قند زیادی در بدن می‌تواند به تری‌گلیسیرید تبدیل شده و موجب افزایش وزن و چاقی شود که یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در افزایش میزان کلسترول است (۵). از طرفی مصرف زیاد چربی‌ها به ویژه چربی‌های حیوانی نیز موجب بالارفتمندی مقدار کلسترول خون می‌شود. کلسترول بالای خون یکی از علل ابتلاء به بیماری‌های غیرواگیر است (۶).

بنابراین به طور خلاصه می‌توان چاقی، چربی‌خون و قند خون در کودکان و نوجوانان را به عنوان سه ضلع کاملاً مرتبط مثلث خطرناکی دانست که خود می‌تواند به عنوان عاملی برای تشدید سایر بیماری‌ها در بزرگسالی عمل کند (۷-۸). طبق

بررسی‌های صورت گرفته ارتباط مستقیمی بین چاقی با افزایش قند خون و چربی‌خون وجود دارد (۹).

علی‌رغم مشاهده پیشرفت‌های قابل توجه در راستای کاهش میزان مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی-عروقی، هنوز این بیماری‌ها نخستین علت مرگ و میر در بسیاری از کشورها محسوب می‌شوند. به‌ویژه شواهد موجود نشانگر افزایش فراوانی عوامل خطرساز در ابتلاء به این بیماری‌ها و کاهش سن بروز این بیماری‌ها در ایران است (۱۰-۱۱). در رابطه با شناخت عوامل خطر مؤثر بر بیماری‌های قلبی-عروقی، بررسی‌های زیادی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به (۱۲-۱۵) اشاره کرد. از طرف دیگر، یکی از بیماری‌های مزمن دوران کودکی، دیابت است. دیابت نوع ۱ یا آغاز می‌شود، هرچند که امکان ایجاد آن در هر سنی وجود دارد (۱۶). از طرف دیگر زمینه بروز دیابت نوع ۲ نیز در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد. بنابراین به دلیل اهمیت بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت و پایه‌ریزی عوامل ابتلاء به آن‌ها در دوران کودکی و نوجوانی، ضرورت خوشبندی کودکان و نوجوانان بر مبنای ریسک ابتلاء به این بیماری‌ها، آشکار می‌گردد.

در مطالعه حاضر، از یافته‌های تن‌سنجه دانش‌آموزان در مطالعه کشوری «طرح ملی نظام مراقبت و پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر از دوران کودکی و نوجوانی» استفاده شده است. در این پژوهش، جهت به دست آوردن بینشی جامع از وضعیت سلامت کودکان و نوجوانان مورد مطالعه از لحاظ ریسک ابتلاء به بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت، از روش خوشبندی افراد نمونه از نظر دو شاخص چربی‌خون و قند خون، استفاده شده و میزان تأثیر شاخص تن‌سنجه و رده سنی کودکان و نوجوانان بر نحوه خوشبندی آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. اهمیت بررسی این موضوع، به‌دلیل وجود ارتباط مستقیم میان افزایش قند خون و چربی‌خون و ظهور بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت آشکار می‌گردد (۱۷-۱۸). تا کنون تحقیق جامعی در زمینه خوشبندی افراد

مزایای استفاده از این روش، به این مطلب می‌توان اشاره کرد که هیچ توزیع پارامتری مشخصی برای توزیع متغیر مورد بررسی در خوشه‌ها درنظر گرفته نمی‌شود و ساختار توزیع خوشه‌ها با استفاده از ساختار داده‌ها، تخمین زده می‌شود. هم‌چنین این روش، تعداد خوشه‌ها را نیز مجھول درنظر گرفته و با استفاده از اطلاعات موجود در داده‌ها آن‌ها را برآورد می‌کند.

روش‌ها

تصویف مساله

طرح ملی نظام مراقبت و پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر از دوران کودکی و نوجوانی به صورت مقطعی بر ۵۳۱۱ دانش آموز ۲۸ استان کشور که در محدوده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال قرار داشته‌اند، انجام شد. افراد نمونه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به روش تصادفی انتخاب شدند. در این مطالعه، علاوه بر ثبت متغیرهای دموگرافیک مانند جنسیت، سن، محل سکونت از نظر شهری یا روستایی و ...، متغیرهای دیگری مانند شاخص توده بدنی (BMI) یا Low-density lipoprotein (LDL) یا کلسترول با تراکم پایین (HDL) یا High-density lipoprotein (HDL)، تری‌گلیسیرید، چاقی شکمی به صورت نسبت دور کمر به قد، اندازه دور مچ دست طبق روش‌های استاندارد اندازه‌گیری، کلسترول مجموع، قند خون و ... نیز به ثبت رسیده‌اند. هم‌چنین برخی از عواملی که نشان‌دهنده عادات تغذیه‌ای و فعالیت بدنی افراد بوده است مانند تعداد ساعت‌های تماشای تلویزیون، تعداد ساعت‌های فعالیت ورزشی در هفته، میزان مصرف سبزیجات تازه، میزان مصرف اجیل و تنقلات و ... نیز در این مطالعات ثبت شده است. در مطالعه حاضر، با درنظر گرفتن افراد با اطلاعات کامل، تعداد ۲۷۸۸ نفر جهت تحلیل‌های بعدی درنظر گرفته شده‌اند که ۴۹٪ از این تعداد را پسران تشکیل می‌دهند و ۶۹٪ ساکن شهرها هستند. بدلیل وجود همبستگی بالا بین برخی از متغیرهای ثبت شده و به منظور تلخیص آن‌ها چند شاخص به نحوی که در ادامه

جامعه بر اساس ریسک ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت در کشور انجام نشده است و پژوهش حاضر جزو اولین تحقیقات در این زمینه است.

خوشه به مجموعه‌ای از داده‌ها گفته می‌شود که بیشترین شباهت را با هم داشته باشند. در خوشه‌بندی سعی می‌شود داده‌ها به خوشه‌هایی تقسیم شوند که شباهت بین داده‌های درون هر خوشه حداکثر و شباهت بین داده‌های درون خوشه‌های متفاوت حداقل شود. خوشه‌بندی را می‌توان به عنوان ابزاری جهت شناخت بهتر جامعه و مرحله مقدماتی در مطالعات جامعی درنظر گرفت که در آن‌ها جامعه آماری از تنوع و گوناگونی زیادی برخوردار است.

خوشه‌بندی نسبت به روش طبقه‌بندی (Classification) داده‌ها از انعطاف بیشتری برخوردار است. در طبقه‌بندی، هر داده به یک طبقه (دسته) از پیش مشخص شده تخصیص می‌یابد. حال آن که در خوشه‌بندی هیچ اطلاعی از دسته‌های موجود درون داده‌ها وجود ندارد و به عبارتی خوشه‌ها و گاهها تعداد آن‌ها از داده‌ها استخراج می‌شود. در یک طبقه‌بندی کلی، روش‌های خوشه‌بندی را می‌توان به دو دسته روش‌های غیر مدل-پایه (Non model-based methods) و مدل-پایه تقسیم کرد.

مهمنترین و پرکاربردترین الگوریتمی که در بحث خوشه‌بندی غیر مدل-پایه وجود دارد الگوریتم K-means است که جزء روش‌های غیر مدل-پایه بوده و در آن، هر داده به خوشه‌ای تخصیص می‌یابد که کمترین فاصله را با مرکز آن خوشه دارد. در این روش، تعداد خوشه‌ها از قبل معلوم است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، می‌توان به مرجع (۱۹) مراجعه کرد.

در روش‌های مدل-پایه، خوشه‌بندی با استفاده از آمیخته‌ای از توزیع‌ها انجام می‌گیرد و به این ترتیب اطلاعات بیشتری از داده‌ها، نسبت به روش‌های غیر مدل-پایه، در مسئله خوشه‌بندی دخیل می‌شوند. در این نوشتار از روش خوشه‌بندی با استفاده از فرایند دیریکله که یکی از انواع روش‌های خوشه‌بندی مدل-پایه است، استفاده می‌شود. از

به این ترتیب در صورت معلوم بودن مقدار متغیر w_i برای i -امین مشاهده، توزیع Y_i به صورت زیر مشخص می‌شود

$$f_{\theta}(y_i|w_i = j) = f_{\theta_j}(y_i)$$

پس از برآورد پارامترهای θ_j برای $j = 1, \dots, K$ و w_i برای $i = 1, \dots, n$ ، توابع درستنمایی محاسبه شده و سپس مشاهده موردنظر به دسته‌ای تعلق می‌گیرد که در آن دسته دارای درستنمایی بیشتری است. به منظور برآورد پارامترهای (Expectation) مدل بالا، می‌توان از الگوریتم (EM) در آمار کلاسیک و یا با رویکرد Maximization بیز به مسئله و درنظر گرفتنتابع زیان مربع خطأ، از برآوردهای بیز استفاده کرد. در این مطالعه، برآورد پارامترها با استفاده از نرم افزار این‌باگز (۲۰) و با رویکرد بیز، به دست آمداند.

خوشبندی رگرسیونی با استفاده از آمیخته‌ای از توزیع‌های نرمال دومتغیره

اغلب دسته‌بندی افراد جامعه، بدون درنظر گرفتن عوامل مؤثر بر خوشبندی منجر به تحلیل نادرست از افراد قرار گرفته در خوشبندی‌ها می‌شود. به بیان دیگر گاهی وجود برخی عوامل مزاحم، موجب ایجاد خوش و یا تخصیص نادرست افراد به خوشبندی‌ها می‌شود به طوری که در شرایط مشابه ولی بدون حضور این عوامل مزاحم، نتایج خوشبندی متفاوتی حاصل می‌شود. این مسئله با حذف اثر برخی عوامل تأثیرگذار بر خوشبندی و نحوه تغییر در تعداد و ساختار خوشبندی‌ها بهتر آشکار می‌شود.

از این رو، در این مطالعه، با وارد کردن متغیرهای توضیحی چون جنسیت، شاخص تن‌سنگی و ... در مدل‌های رگرسیونی، به بررسی اثرگذاری آن‌ها بر خوشبندی پرداخته و ویژگی‌های مشترک افراد قرارگرفته در یک خوش را مشخص می‌کنیم، به‌گونه‌ای که در نهایت بتوان به تحلیل دقیق‌تری از ساختار جامعه بر مبنای متغیرهای پاسخ درنظر گرفته شده، دست‌یافت. فرض کنید بردار Y_i شامل متغیرهای قند خون و شاخص چربی و بردار $x_i = (x_{i1}, x_{i2}, \dots, x_{ip})$ شامل مشاهداتی از p متغیر توضیحی مانند جنسیت، رده سنی و ... بر روی i -امین فرد

توضیح داده می‌شود، درنظر گرفته شده‌اند. با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (Principle component analysis)، شاخص تن‌سنگی از ترکیب متغیرهای شاخص توده بدنی، چاقی شکمی و اندازه دور مج دست حاصل شده است. از آنجا که همبستگی شاخص جدید با متغیرهای مذکور به ترتیب برابر $0.918, 0.918, 0.95$ است، بنابراین اطلاعات موجود در این سه متغیر به خوبی در شاخص تن‌سنگی خلاصه شده است. همچنین از ترکیب متغیرهای HDL، LDL، تری‌گلیسیرید و کلسترول مجموع، شاخص چربی به دست آمد که همبستگی آن با این متغیرها به ترتیب $0.929, 0.903, 0.968, 0.979$ به دست آمد. به این ترتیب، خوشبندی کودکان و نوجوانان نمونه از لحاظ دو شاخص چربی و قند خون و بررسی عوامل مؤثر بر خوشبندی آن‌ها، مورد توجه قرار گرفته است.

خوشبندی به روش آمیخته‌ای از توزیع‌ها

همان‌گونه که بیان شد، با استفاده از آمیخته‌ای از توزیع‌ها به عنوان یک روش مدل‌پایه، اطلاعات بیشتری از داده‌ها جهت خوشبندی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در روش خوشبندی آمیخته‌ای از توزیع‌ها، هر فرد با احتمالی به یک خوش تخصیص می‌یابد. در این روش، فرض می‌شود مجموعه n -تا ای از داده‌ها، مشاهداتی از متغیرهای تصادفی Y_1, Y_2, \dots, Y_n هستند که هر یک از این متغیرها توزیع‌های احتمال $f_{\theta_1}, f_{\theta_2}, \dots, f_{\theta_K}$ را با احتمال‌های $\pi_1, \pi_2, \dots, \pi_K$ اختیار می‌کنند، به طوری که مجموع این احتمال‌ها، یک است. بنابراین طبق قانون احتمال کل، داریم

$$f_{\theta}(y_i) = \sum_{i=1}^K \pi_i \times f_{\theta_j}(y_i), \quad i = 1, 2, \dots, n$$

که در آن $\sum_{i=1}^K \pi_i = 1$. معمولاً توزیع‌های $f_{\theta_1}, f_{\theta_2}, \dots, f_{\theta_K}$ از یک خانواده از توزیع‌ها درنظر گرفته می‌شوند. به منظور خوشبندی داده‌ها، متغیر پنهان w_i را به عنوان برچسب مشاهده i -ام، درنظر می‌گیریم. مقادیر این متغیر در مجموعه $\{1, \dots, K\}$ که در آن K تعداد مؤلفه‌های توزیع آمیخته یا به عبارتی تعداد خوشبندی‌ها است، اختیار می‌شود.

مجھول است و نیاز است که به همراه سایر پارامترهای توزیع، تعداد خوشه‌ها نیز تخمین زده شود. به همین دلیل در ادامه، به معرفی فرایند دیریکله به عنوان یک روش نیمه‌پارامتری و تعمیمی از روش خوشه‌بندی به‌وسیله آمیخته‌ای از توزیع‌ها، می‌پردازیم.

خوشه‌بندی رگرسیونی با استفاده از فرآیند دیریکله در تحقیقات اخیر، به منظور دستیابی به خوشه‌بندی دقیق‌تر، توجه به خانواده‌هایی از توزیع‌های با ساختار منعطف‌تر از توزیع نرمال برای توزیع مانده‌ها و یا اثرات تصادفی مدل‌ها، بیشتر شده است. در راستای تلاش‌های صورت‌گرفته جهت به کارگیری توزیع‌های منعطف، استفاده از رویکرد نیمه‌پارامتری به‌نام فرایند دیریکله مورد توجه است. در این شیوه، ابتدا توزیع احتمالی G که مشاهدات از آن تولید شده‌اند نامعلوم فرض شده و سپس اندازه احتمالی به عنوان توزیع پیشین برای توزیع احتمالی نامعلوم G ، درنظر گرفته می‌شود. این اندازه احتمال، حول اندازه احتمال پایه G_0 مرکز است و مقدار این مرکز با پارامتر مثبت M تعیین می‌شود، به طوری که هرچه مقدار M بزرگ‌تر باشد، G به G_0 شبیه‌تر است.

مزیت اصلی استفاده از این شیوه، عدم تحمیل توزیع پارامتری مشخص به مدل است. علی‌رغم ویژگی‌های برجسته این روش، به‌دلیل وجود پیچیدگی‌های محاسبات در کاربرد عملی آن در خوشه‌بندی، تنها در سال‌های اخیر و با پیشرفت نرم‌افزارهای آماری مانند اپن‌باگز، خوشه‌بندی با استفاده از فرایند دیریکله مورد استفاده فراوان قرار گرفته است.

فرایندهای دیریکله، برای اولین بار توسط فرگوسن و پس از آن توسط افرادی مانند بلکول و مک‌کوین و ستارامن بسط داده شد (۲۱-۲۳). این فرآیند، توزیع تصادفی گسسته G را به صورت زیر تولید می‌کند

$$G(\cdot) = \sum_{j=1}^{\infty} \pi_j \delta_{\alpha_j}(\cdot),$$

که در آن $\delta_{\alpha_j}(\cdot)$ برای مقادیر برابر با α_j ، مقدار ۱ و درغیراً نصوت مقدار صفر را اختیار می‌کند. همچنین $\alpha_j \sim G_0$ و $\pi_j = \vartheta_j \prod_{l=1}^{j-1} (1 - \vartheta_l)$ که در آن

از نمونه باشند. ازین‌رو، مدل رگرسیونی مورد نیاز برای خوشه‌بندی داده‌ها، به صورت زیر ارائه می‌شود:

$$\mathbf{y}_i = \boldsymbol{\mu}_{i,w_i} + \boldsymbol{\varepsilon}_i, \quad \text{که در آن}$$

$$\boldsymbol{\mu}_{i,w_i} = \beta_0 + \beta_1 x_{i1} + \cdots + \beta_p x_{ip} + \alpha_{w_i},$$

برای $i = 1, \dots, n$ و α_{w_i} را اثر تصادفی مربوط به خوشه فرد i ام درنظر می‌گیریم. در مدل بالا، مانده‌های مدل و $\boldsymbol{\beta}_0, \boldsymbol{\beta}_1, \dots, \boldsymbol{\beta}_p$ ضرایب رگرسیونی دومؤلفه‌ای هستند که در آن، هر مؤلفه متناظر با تأثیرگذاری متغیر توضیحی مربوطه بر w_i یکی از متغیرهای قند خون و شاخص چربی است. متغیر i نیز برچسب و به عبارت دیگر نشانگر خوشه فرد i است. معمولاً متغیر تصادفی α_{w_i} و مانده‌های مدل، مستقل از هم و نیز مستقل از متغیرهای توضیحی فرض می‌شوند. به این ترتیب، با معلوم بودن مقدار متغیر w_i برای i -امین مشاهده و درنظر گرفتن توزیع نرمال برای مانده‌های مدل، توزیع \mathbf{Y}_i به صورت زیر مشخص می‌شود.

$$f_{(\boldsymbol{\mu}, \Sigma)}(\mathbf{y}_i | w_i = j) = N_2(\boldsymbol{\mu}_{ij}, \Sigma)$$

که در آن $P(w_i = j) = \pi_j$ برای $j = 1, \dots, K$. اکنون با استفاده از الگوریتم نمونه‌بردار گیز (Gibbs sampler) به عنوان یکی از روش‌های شبیه‌سازی مونت کارلوی زنجیر مارکفی، برآورد پارامترها به دست خواهد آمد و سپس هر فرد به خوشه‌ای تخصیص می‌یابد که بیشترین درستنایی را دارد. از آن‌جا که در عمل، معمولاً توزیع متغیر مورد بررسی در خوشه‌ها نرمال نیست و می‌تواند دارای ساختارهای چوله و یا دم‌کلفتی باشد که توزیع نرمال نمی‌تواند به درستی آن‌ها را پوشش دهد، بنابراین نیاز به استفاده از توزیع‌های منعطف‌تر از نرمال به خوبی احساس می‌شود. از طرف دیگر در روش خوشه‌بندی با استفاده از آمیخته‌ای از توزیع‌ها، مانند بسیاری از روش‌های خوشه‌بندی دیگر، لازم است که تعداد خوشه‌ها از قبل، معلوم باشد، حال آن‌که در عمل، معمولاً تعداد خوشه‌ها

شاخص چربی خون است. توزیع بردار مانده‌های $(\varepsilon_{i1}, \varepsilon_{i2})'$ نرمال دومتغیره با میانگین‌های صفر و ماتریس واریانس-کوواریانس قطری با اعضای روی قطر $\sigma_{\varepsilon_1}^2$ و $\sigma_{\varepsilon_2}^2$ و توزیع بردار اثرات تصادفی $(\alpha_{i1}, \alpha_{i2})'$ ، توزیعی نامشخص با پیشین فرایند دیریکله درنظر گرفته می‌شود که در آن توزیع پایه، نرمال دومتغیره با میانگین‌های صفر و ماتریس واریانس-کوواریانس قطری با اعضای روی قطر $\sigma_{\alpha_1}^2$ و $\sigma_{\alpha_2}^2$ است. متغیرهای توضیحی موجود در این مدل، عبارت هستند از: متغیر رده سنی (C_age) که به عنوان α_i معرف اثر تصادفی مرتبط با فرد i -ام است. حال فرایند دیریکله را به عنوان پیشین موردنیاز برای توزیع مجھول اثرات تصادفی افراد، درنظر می‌گیریم. از آنجا که فرایند دیریکله، تولید توزیع تصادفی گستته می‌کند، بنابراین تنها چندین مقدار متمایز (K مقدار) برای α_i ها تولید می‌شوند که هر از آن‌ها می‌توانند معرف یک خوش باشند. به عبارت دیگر، تمام افراد با اثرات تصادفی یکسان، به یک خوش تعلق می‌گیرند. به این ترتیب بسته به تنوع و ساختار موجود در داده‌ها، تعداد خوش‌ها بدون این که از پیش تعیین شده باشد، مشخص می‌شود.

به منظور بررسی تأثیرگذاری متغیرهای توضیحی بر خوشبندی افراد، مدل‌های زیر را درنظر می‌گیریم. مدل ۱، که شامل هیج متغیر توضیحی نیست و تنها بر اساس مقادیر مشاهده شده برای متغیرهای پاسخ، خوشبندی را انجام می‌دهد. مدل ۲ که شامل متغیرهای توضیحی جنسیت و شاخص تن‌سنگی است. مدل ۳ که متغیرهای توضیحی جنسیت و رده سنی را درنظر می‌گیرد و در نهایت مدل ۴ که هر سه متغیر جنسیت، شاخص تن‌سنگی و رده سنی را به عنوان متغیرهای توضیحی لحاظ می‌کند. به این ترتیب با مقایسه نتایج حاصل از خوشبندی‌های به دست آمده از مدل‌های ۱ تا ۴، می‌توان تأثیرگذاری عوامل جنسیت، رده سنی و شاخص تن‌سنگی را بر خوشبندی افراد، مورد ارزیابی قرار داد.

به منظور به دست آوردن برآوردهای بیز پارامترهای مدل‌ها، پیشین‌های مزدوج و آگاهی‌نابخش را برای پارامترها درنظر می‌گیریم. به عبارتی توزیع $(0/1000)$ برای ضرایب رگرسیونی مدل و توزیع گامای معکوس $(0/01)$ برای مؤلفه‌های واریانس مدل‌ها، درنظر گرفته شده‌اند. سپس با استفاده از نرم‌افزار اپن‌باگز تعداد ۱۵۰۰۰۰ نمونه پس از حذف ۲۵۰۰۰ دورریز و همگرا شدن توزیع‌های پسین پارامترها، تولید شده است. به این ترتیب، متوسط مقادیر تولید شده به عنوان برآوردهای بیز پارامترها درنظر گرفته می‌شوند (به

$\vartheta_j \sim Beta(1, M)$ فرایند دیریکله را با نماد $DP(M, G_0)$ نمایش می‌دهیم. معمولاً در عمل، مجموع بالا را تا مقدار C محاسبه می‌کنند. به منظور استفاده از فرایند دیریکله در خوشبندی رگرسیونی داده‌ها، مدل قبل را به صورت زیر تغییر می‌دهیم.

$$\mathbf{y}_i = \boldsymbol{\mu}_i + \boldsymbol{\varepsilon}_i, \quad \text{که در آن}$$

$$\boldsymbol{\mu}_i = \beta_0 + \beta_1 x_{i1} + \cdots + \beta_p x_{ip} + \alpha_i,$$

دقت کنید که این‌بار، α_i معرف اثر تصادفی مرتبط با فرد i -ام است. حال فرایند دیریکله را به عنوان پیشین موردنیاز برای توزیع مجھول اثرات تصادفی افراد، درنظر می‌گیریم. از آنجا که فرایند دیریکله، تولید توزیع تصادفی گستته می‌کند، بنابراین تنها چندین مقدار متمایز (K مقدار) برای α_i ها تولید می‌شوند که هر از آن‌ها می‌توانند معرف یک خوش باشند. به عبارت دیگر، تمام افراد با اثرات تصادفی یکسان، به یک خوش تعلق می‌گیرند. به این ترتیب بسته به تنوع و ساختار موجود در داده‌ها، تعداد خوش‌ها بدون این که از پیش تعیین شده باشد، مشخص می‌شود.

حال مشابه قبل، با استفاده از الگوریتم نمونه‌بردار گیز و استفاده از نرم‌افزار اپن‌باگز، برآورد پارامترها به دست می‌آید و سپس می‌توان خوشبندی را بر مبنای محاسبه توابع درست‌نمایی انجام داد.

مدل نیمه‌پارامتری جهت خوشبندی رگرسیونی داده‌های غیرواگیر از دوران کودکی و نوجوانی از بیماری‌های غیرواگیر از دوران کودکی و نوجوانی در این مطالعه، خوشبندی افراد بر اساس دو عامل قند خون و شاخص چربی خون، به عنوان متغیرهای پاسخ، مدنظر قرار گرفته است. برای این منظور از مدل رگرسیونی نیمه‌پارامتری زیر استفاده می‌شود.

$y_{ij} = \beta_{0j} + \beta_{1j} Sex_i + \beta_{2j} C_age_i + \beta_{3j} Anth_i + \alpha_{ij} + \varepsilon_{ij}, \quad j = 1, 2$
که در آن $j = 1$ نشان‌دهنده مدل رگرسیونی مرتبط با متغیر قند خون و $j = 2$ نشان‌دهنده مدل رگرسیونی مرتبط با

شده و سپس داده به خوشبندی تعلق پیدا کرده که درستنمایی بیشتری داشته است.

جدول ۱ توجه کنید) و در نهایت با استفاده از پارامترهای برآورد شده، درستنمایی مرتبط با هر خوشبندی، برای هر داده محاسبه

جدول ۱. برآوردهای بیز (واriasن برآوردها) برای پارامترهای مدل‌های ۱ تا ۴

مدل	K	β_{01}	β_{02}	β_{11}	β_{12}	β_{21}	β_{22}	β_{31}	β_{32}	$\sigma_{\varepsilon_1}^2$	$\sigma_{\varepsilon_2}^2$
۱	۴	۱/۵۶	۱/۲۳	-	-	-	-	-	-	۱۲۵	۳/۹
		(۹/۳۴)	(۰/۶۹)							(۰/۵۴)	(۰/۰۳)
۲	۵	۴/۳۳	۱/۳۶	۱/۳۲	-۰/۱۴	-	-	۰/۴۸	۰/۱۱	۱۲۰/۹	۰/۵۱
		(۹/۶۵)	(۰/۷۳)	(۰/۴۷)	(۰/۰۴)			(۰/۲۲)	(۰/۰۲)	(۴/۸۹)	(۰/۰۴)
۳	۵	۴/۱۹	۱/۱۹	۱/۴۱	-۰/۱۳	-۰/۵۸	-۰/۱۷	-	-	۱۱۸/۸	۰/۴۸
		(۱۰/۰۶)	(۰/۶۰)	(۰/۴۵)	(۰/۰۴)	(۰/۴۰)	(۰/۰۴)			(۴/۱۴)	(۰/۰۴)
۴	۳	۳۹/۳۰	-۲۸/۴۸	۰/۳۹	-۰/۱۶	-۰/۹۱	-۰/۲۵	۰/۶۱	۰/۱۵	۴۹۳/۶	۰/۹۳
		(۱۲/۵۲)	(۰/۳۴)	(۱۴/۰۸)	(۰/۰۸)	(۳/۶۲)	(۰/۰۴)	(۰/۰۸۲)	(۰/۰۲)	(۶۶۰/۷)	(۰/۰۵)

۰/۷۳)، (۰/۹۵)، (۰/۸۵)، (۰/۳)، (۰/۲۵)، (۰/۳۴) و (۰/۶۵)

است که بر مبنای متغیر کلسترول مجموع به ترتیب معادل است با (۱۵۶/۹۳)، (۱۲۲/۱۹)، (۱۷۴/۷۳)، (۱۳۸/۲۴)، (۱۲۸/۰۳)، (۱۶۸/۳۱) و (۱۳۹/۷۰)، (۲۱۲/۶۸) است. تنازع کرد که نیمی از افراد خوشبندی سوم دارای شاخص چربی ۰/۲۵ تا ۰/۲۵ و ۰٪۲۵ دارای شاخص چربی بیشتر از ۰/۲۵ هستند، از این رو افراد قرارگرفته در این خوشبندی، از لحاظ شاخص چربی خون، افراد در معرض خطر چربی خون بالا محسوب می‌شوند، در حالی که سه خوشبندی دیگر چین وضعیت بحرانی را ندارند. پس به طور خلاصه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که افراد خوشبندی اول و دوم دارای قند خون و شاخص چربی خون نرمال و افراد خوشبندی سوم دارای چربی خون در محدوده خطر و شاخص قند خون نرمال و افراد خوشبندی چهارم دارای قند خون در محدوده خطر و شاخص چربی خون نرمال هستند.

به منظور تشخیص عوامل پنهان در تشکیل خوشبندی مدل ۱، متغیرهایی در رابطه با میزان فعالیتهای جسمی و نوع عادات غذایی در جدول ۲ بررسی شده که تنها اطلاعات به ثبت رسیده از نوع عادات غذایی افراد در رابطه با درصد افراد مصرف‌کننده سبزیجات و نیز آجیل و تنقلات دارای تنوع

یافته‌ها

پس از به کارگیری فرایند دیریکله جهت خوشبندی داده‌های طرح ملی نظام مراقبت و پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر از دوران کودکی و نوجوانی در مدل ۱، نتایج زیر حاصل شد. همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، بر اساس مدل ۱، چهار خوشبندی ایجاد شده و درصد افراد تخصیص‌یافته به خوشبندی ۱ تا ۴، به ترتیب برابر با ۱۷۵/۹ (۶۳٪)، ۸۸۹/۳۲ (۶۸٪)، ۲۴/۳ (۶۹٪) و ۷/۲ (۳۲٪) است. با استفاده از این مدل، چارک‌های اول و سوم متغیر قندخون خوشبندی اول تا چهارم به ترتیب برابر با (۸۱)، (۹۶)، (۷۸)، (۹۳) و (۸۴)، (۹۹)، (۷۵) و (۱۱۰)، (۹۰) به دست آمده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت افراد خوشبندی اول و دوم در دسته افراد دارای قند خون نرمال قرار می‌گیرند، در حالی که در خوشبندی سوم تقریباً ۲۵٪ از افراد دارای قند خون بالای ۹۹ هستند و از لحاظ این کمیت در گروه افراد در معرض خطر قند خون بالا قرار می‌گیرند. افراد خوشبندی چهارم نیز به عنوان افراد در معرض خطر قند خون بحرانی شناخته می‌شوند، زیرا ۷۵٪ از این افراد دارای قند خون بالای ۹۰ و ۲۵٪ نیز دارای قند خون بالای ۱۱۰ هستند. همچنین، چارک‌های اول و سوم متغیر شاخص چربی خوشبندی اول تا چهارم مدل ۱ به ترتیب برابر با

می‌توان نتیجه گرفت که نیمی از افراد خوشه اول دارای قند خون ۷۶ تا ۸۹ هستند و از این‌رو در دسته افراد دارای قند خون نرمال قرار می‌گیرند، درحالی که در دو خوشه دوم و سوم تقریباً ۲۵٪ از کودکان و نوجوانان دارای قند خون بالای ۹۹ هستند و از لحاظ این کمیت در گروه افراد در معرض خطر بیماری دیابت قرار می‌گیرند. هم‌چنین، چارک‌های اول و سوم شاخص چربی خوشه‌های اول تا سوم به ترتیب برابر با ($۰/۳$ ، $-۰/۹$) و ($۰/۸$ ، $-۰/۵$) است که به ترتیب معادل است با ($۱۱۷/۸۱$ ، $۱۵۵/۷۶$)، ($۱۲۰/۷۳$ ، $۱۵۸/۶۷$) و ($۱۳۲/۴۱$ ، $۱۷۰/۳۵$) برای متغیر کلسترول مجموع. بنابراین می‌توان استنتاج کرد که نیمی از افراد خوشه سوم دارای شاخص چربی $۱۳۲/۴۱$ تا $۱۷۰/۳۵$ و ۲۵% دارای شاخص چربی بیش‌تر از $۱۷۰/۳۵$ هستند، از این‌رو افراد قرارگرفته در این خوشه که حجم بزرگی از افراد مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند، از لحاظ شاخص چربی خون، افراد در معرض خطر چربی خون بالا محسوب می‌شوند، درحالی که دو خوشه ۱ و ۲ از لحاظ چربی خون تقریباً دارای وضعیت مشابه هستند و در گروه افراد دارای چربی خون نرمال قرار می‌گیرند. پس به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه گیری کرد که افراد خوشه اول دارای قند خون و شاخص چربی خون نرمال و افراد خوشه دوم دارای قندخون در محدوده خطر و شاخص چربی خون نرمال و افراد خوشه سوم، دارای قند خون و شاخص چربی خون در محدوده خطر هستند.

به‌منظور تشخیص عوامل احتمالی در ایجاد خوشه‌ها، لازم است که سایر متغیرهای مورد بررسی در این مطالعه نیز از نقطه‌نظر تاثیرگذاری در ایجاد خوشه‌ها، مورد بررسی قرار گیرند. از آن جمله می‌توان به متغیرهایی اشاره نمود که در رابطه با میزان فعالیت‌های جسمی و نوع عادات غذایی دانش‌آموزان، ثبت شده‌اند و در جدول ۳ گزارش شده‌اند. از میان این متغیرها می‌توان به درصد افراد مصرف کننده سبزیجات و نیز آجیل و تنقلات اشاره کرد که نسبت آن در سه خوشه ایجاد شده، متفاوت است. البته به‌علت پایین بودن

بیش‌تری در میان خوشه‌ها است و شاید بتوان از آن‌ها به عنوان دسته‌ای از عوامل که باعث ایجاد چنین خوشه‌بندی شده‌اند، یاد کرد که البته به‌علت پایین بودن درصد افراد پاسخ‌دهنده به سوالات مرتبط با آن‌ها، چنین نتیجه‌گیری‌ای چندان معتبر نیست.

نتایج خوشه‌بندی حاصل از مدل ۲ یعنی خوشه‌بندی که در آن به جنسیت و شاخص تن‌سنجدی افراد توجه شده و به رده سنی افراد توجه نشده است، نشان‌دهنده ۵ الگو برای جامعه مورد مطالعه است به‌طوری که درصد افراد تشخیص‌یافته به خوشه‌های ۱ تا ۵ به ترتیب برابر با $۳۸\% (۱۰۷۲)$ نفر)، $۴۵\% (۱۲۴۹)$ نفر)، $۱۴\% (۳۸۶)$ نفر)، $۲۸\% (۲۸)$ نفر) است. بر طبق نتایج حاصل از بررسی چارک‌های اول و سوم متغیرهای قند خون و چربی خون برای این خوشه‌ها، این‌طور نتیجه شد که افراد خوشه‌های اول و دوم دارای قند خون و چربی خون نرمال، افراد خوشه سوم دارای قند خون نرمال و چربی خون نسبتاً بالا هستند. دو خوشه چهارم و پنجم از لحاظ وضعیت سلامت در خطر و به‌ترتیب مستعد بیماری دیابت و بیماری‌های قلبی-عروقی به‌نظر می‌رسند.

خوشه‌بندی بر مبنای مدل ۳ یعنی خوشه‌بندی که در آن به جنسیت و رده سنی افراد توجه شده و به شاخص تن‌سنجدی آن‌ها توجه نشده است، نیز منجر به تشکیل ۵ خوشه شده است. درصد افراد تشخیص‌یافته به خوشه‌های ۱ تا ۵، برابر با $۲۳\% (۶۳۷)$ نفر)، $۴۶\% (۱۲۸۸)$ نفر)، $۲۸\% (۷۵۹)$ نفر) و $۲\% (۴۳)$ نفر) است. تحلیل خوشه‌های ایجاد شده نیز مشابه تحلیل‌های حاصل از مدل ۲ است.

در نهایت در مدل ۴، تمامی متغیرهای جنسیت، رده سنی و شاخص تن‌سنجدی وارد مدل شده و درنتیجه اثر آن‌ها بر خوشه‌بندی، حذف گردیده است. بر اساس این مدل سه خوشه ایجاد شده و درصد افراد تشخیص‌یافته به خوشه‌های ۱ تا ۳، به‌ترتیب برابر با $۴\% (۱۳۱۰)$ نفر)، $۴\% (۱۱۲)$ نفر) و $۴۹\% (۱۳۶۶)$ نفر) است. با استفاده از این مدل، چارک‌های اول و سوم متغیر قندخون خوشه‌های اول تا سوم به‌ترتیب برابر با $۷۶, ۸۹$ و $۸۸, ۹۸$ به‌دست آمده است. بنابراین

چندانی با مدل ۴ نداشت و لذا نتایج گزارش نشده است. در شکل ۱، نتایج کلی خوشبندی متناظر با مدل‌های ۱ تا ۴، خلاصه شده است.

درصد افراد پاسخ‌دهنده، نتایج حاصل از آن چندان قابل استناد نیست. سایر متغیرهای درنظر گرفته شده در جدول ۳ نیز در هر سه خوشبندی، تقریباً مشابه بوده و نشان‌دهنده عدم تأثیر چشم‌گیر این عوامل در خوشبندی افراد است. قابل ذکر است که اثر حذف متغیر جنسیت از مدل ۴ نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتایج خوشبندی حاصل از آن، تفاوت

جدول ۲. درصد فراوانی نسی (درصد پاسخ‌دهندگان) برای هر متغیر، تحت خوشبندی به دست آمده در مدل ۱.

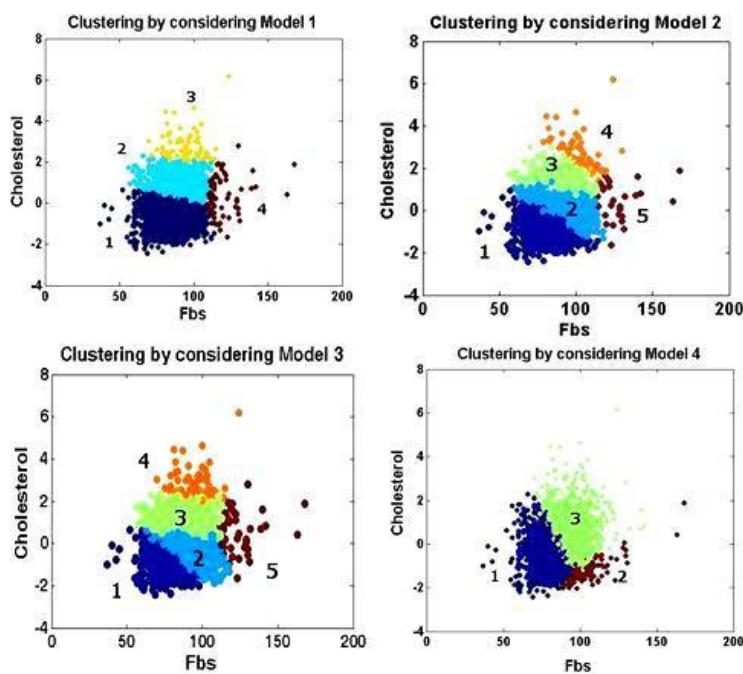
مدل ۱	خوشه ۱	خوشه ۲	خوشه ۳	خوشه ۴
سکونت در شهر	۶۷	۷۳/۸	۷۳/۸	۷۱
نوجوانان	۵۳/۲	۵۰/۳	۴۸/۵	۶۰/۹
جنسیت (مرد)	۴۹/۹	۴۶/۶	۵۳/۴	۶۳/۸
داشتن سابقه بیماری قلبی عروقی خانوادگی	۸۳/۲	۸۴/۱	۷۹/۴	۸۸/۴
فشار خون انقباضی نرمال	۹۳/۹	۹۶	۹۷	۹۸/۳
فشار خون انبساطی نرمال	۹۵/۸	۹۶/۱	۹۷	۹۸/۳
تماشای بیشتر از ۷ ساعت تلویزیون	۶۴/۴	۳۶/۶	۷۰/۸	۴۵/۶
شرکت منظم در کلاس‌های ورزشی	۹۱/۸	۹۱/۸	۹۵/۵	۸۸/۲
استفاده از روغن مایع در غذا	۹۶/۱	۹۷/۳	۹۰/۵	۹۳/۲
صرف سبزیجات تازه در هفته	۲۳/۳	۵۰	—	—
(۰/۸)	(۰/۹)	(۰)	(۰)	
صرف آجیل در هفته	۱۸/۴	۲۶/۹	۵۰	—
(۲/۴)	(۲/۹)	(۲/۹)	(۰)	
صرف تنقلات در هفته	۷/۹	۱۰/۵	۱۰۰	۰
(۲/۲)	(۲/۱)	(۱/۵)	(۱/۴)	
استفاده از شیر مادر در دوران شیرخوارگی	۷۸/۹	۸۰/۱	۷۹/۴	۸۸/۴
وزن بالای ۳ کیلوگرم هنگام تولد	۱۰/۸	۹/۸	۴/۷	۱۱/۹

جدول ۳. درصد فراوانی نسی (درصد پاسخ‌دهندگان) برای هر متغیر، تحت خوشبندی به دست آمده در مدل ۴.

مدل ۴	خوشه ۱	خوشه ۲	خوشه ۳
سکونت در شهر	۶۲	۷۵/۳۷	۷۶/۶
نوجوانان	۵۳/۹	۵۰/۴۴	۵۷/۷
جنسیت (مذکور بودن)	۴۹/۲	۴۸/۹	۴۹/۵
داشتن سابقه بیماری قلبی عروقی خانوادگی	۸۳/۵	۸۳/۷	۸۲
فشار خون انقباضی نرمال	۹۳/۸	۹۵/۹	۹۲/۳
فشار خون انبساطی نرمال	۹۵/۹	۹۶/۹	۹۸
تماشای بیشتر از ۷ ساعت تلویزیون	۶۱/۸	۶۱/۸	۶۴/۲
شرکت منظم در کلاس‌های ورزشی	۹۱/۳	۹۲/۲	۹۲/۷

ادامه جدول ۳

استفاده از روغن مایع در غذا	۳۶/۵ (۰/۸)	۲۹/۷ (۲/۷)	۹۸
صرف سبزیجات تازه در هفته	۳۶/۴ (۰/۸)	۵۶/۵ (۰/۸)	۰ (۰/۹)
صرف آجیل در هفته	۱۹/۴ (۲/۴)	۲۹/۷ (۲/۷)	۰ (۱/۸)
صرف تنقلات در هفته	۱۰ (۲/۳)	۷/۴ (۲)	۰ (۱/۸)
استفاده از شیر مادر در دوران شیرخوارگی	۸۱/۴	۷۷/۴	۷۵/۵
وزن بالای ۳ کیلوگرم هنگام تولد	۱۰/۶	۹/۸	۱۴/۲



شکل ۱. نتایج کلی خوشبندی

شاخص تن سنجی دو عامل تأثیرگذار بر تعداد و ساختار خوشبدها هستند. یکی از مهم‌ترین مزایای خوشبندی رگرسیونی با استفاده از فرایند دیریکله، در مقایسه نتایج حاصل از مدل‌های ۱ و ۴ نمایان می‌شود. مدل ۴، بر مبنای

بحث

با توجه به نتایج بدست آمده از مدل‌های ۱ تا ۴، چنین نتیجه می‌شود که در خوشبندی کودکان و نوجوانان از لحاظ دو متغیر قند خون و شاخص چربی خون، متغیر رده سنی و

وی را مستعد ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی و یا دیابت می‌داند.

همچنین، حضور سهم زیادی از کودکان و نوجوانان نمونه در خوشبندی‌های پرخطر ۲ و ۳ در خوشبندی حاصل از مدل ۴ را می‌توان به عنوان زنگ خطری برای وضعیت سلامت جامعه ایرانی در سال‌های آتی از لحاظ ریسک ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی و دیابت دانست که نیازمند به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اصولی در زمینه غذا و نیز تعديل در الگوی تغذیه‌ای خانواده‌های ایرانی است.

نتیجه‌گیری

در خوشبندی کودکان و نوجوانان از لحاظ دو متغیر قند خون و شاخص چربی خون، متغیرهای جنسیت، رده سنی و شاخص تن‌سنجدی عوامل تأثیرگذار بر تعداد و ساختار خوشبندی هستند. همچنین، افراد نمونه به سه خوش، افراد با وضعیت نرمال، افراد در ریسک ابتلا به بیماری دیابت و افراد در ریسک بیماری‌های قلبی-عروقی و نیز دیابت، تقسیم‌بندی شدند.

تشکر و قدردانی

در پایان، از تمامی شرکت‌کنندگان و همکاران در اجرای مطالعه طرح ملی نظام مراقبت و پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر از دوران کودکی و نوجوانی تشکر می‌نماییم.

خوشبندی رگرسیونی و مدل ۱ بر اساس خوشبندی غیر رگرسیونی عمل می‌کند که در آن نقش عوامل مزاحم بر متغیر پاسخ، نادیده گرفته می‌شود. خوشبندی حاصل از مدل‌های ۱ و ۴، نمایش داده شده در شکل ۱ را در نظر بگیرید. خوشبندی بر مبنای مدل ۱، خوشبندی اولیه و خام از داده‌ها است و تنها بر اساس محدوده مقادیر قند خون و شاخص چربی خون افراد، خوشبندی‌ها ایجاد و تخصیص‌ها صورت گرفته است. بنابراین اگر فردی در خوشبندی شماره ۴ قرار گرفته به این معنی است که این فرد در ریسک ابتلا به بیماری دیابت قرار دارد ولی در خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی نیست. حال افرادی از خوشبندی ۱ را در نظر بگیرید که در خوشبندی حاصل از مدل ۴، در خوشبندی ۳، قرار گرفته‌اند. همان‌طور که قبل از نامناسب شده بود، افراد خوشبندی ۳ در مدل ۴ را می‌توان افراد در معرض ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی و نیز دیابت دانست. دلیل تفاوت در خوشبندی‌های ایجاد شده و درنتیجه، تحلیل‌های متفاوت برای افراد را می‌توان در این دانست که فردی که با مدل ۱، در معرض بیماری‌های قلبی-عروقی نبوده، در صورت توجه به جنسیت، رده سنی و نیز وضعیت تن‌سنجدی وی، در خوشبندی حاصل از مدل ۴، مستعد چنین بیماری‌هایی می‌شود. در واقع، خوشبندی مدل ۱ را می‌توان همانند تحلیل یک فرد بدون تخصص و خوشبندی مدل ۴ را می‌توان مانند تحلیل یک پژوهش با تجربه و متخصص دانست که با توجه به شرایط فرد،

References

1. Safavi M. Modifying consumption patterns and its important nutritional status. The World of Nutrition 2011; 86. [In Persian].
2. Chukwunonso Ejike ECC, Chidi Ugwu E, Lawrence US. Physical growth and nutritional status of a cohort of semi-urban Nigerian adolescents. Pak j Nutr 2010; 9(4):392-397.
3. Malina RM, Physical activity and training: effects on stature and the adolescent growth spurt. Medicine and Science in Sports and Exercise 1994; 26(6): 759-766.
4. Rogal AD, Clark PA, Roemmich JN. Growth and pubertal development in children and adolescents: effects of diet and physical activity. Am J Clin Nutr 2000; 72(2): 521-528.
5. Despres JP. Obesity and lipid metabolism: relevance of body fat distribution. Curr Opin Lipidol 1991; 2: 5-15.
6. Ma H. Cholesterol and Human Health. Nature and Science 2004; 2(4): Supplement.
7. Burke GL, Webbe LS, Srinivasan SR, Radhakrishnamurthy B, Freedman DS, Berenson GS. Fasting plasma glucose and insulin levels and their relationship to cardiovascular risk factors in children: Bogalusa Heart Study. Metabolism 1986; 35(5): 441-446.
8. Fujioka S, Matsuzawa Y, Tokunaga K, Tarui S. Contribution of intra-abdominal fat accumulation to the impairment of glucose and lipid metabolism in human obesity. Metabolism 1987; 36(1): 54-59.

9. Zavaroni I, Dall'Aglio E, Alpi O, Bruschi F, Bonora E, Pezzarossa A, Butturini U, Evidence for an independent relationship between plasma insulin and concentration of high density lipoprotein cholesterol and triglyceride. *Atherosclerosis* 1985; 55(3): 259-66.
10. Sarraf-Zadegan N, Sayed-Tabatabaei FA, Bashardoost, N, The prevalence of coronary artery disease in an urban population in Isfahan, Iran, *Acta Cardiologica*, 1999; 54: 257-263.
11. Sarraf-Zadegan, N Boshtam, M, Rafiei, M., Risk factors for coronary artery disease in Isfahan, Iran, *European Journal of Public Health*, 1999; 9: 20-26.
12. Gavish D., Leibovitz E., Elly I., Shargorodsky M., Zimlichman R. Follow-up in a lipid clinic improves the management of risk factor in cardiovascular disease patients, *Isr Med Assoc J.*, 2002, 4: 694-7.
13. Yamori L., Liu L., Mu L., Zhao H., Pen Y., Hu Z., et al. Diet-related factors, educational levels and blood pressure in a Chinese population sample: findings from the Japan-China cooperative research project, *Hypertens Res*, 2002, 25: 559-64.
14. Wagrowska H. Risk of developing coronary disease in relation of the level of education and type of work in a make population of warsaw factories, *kardiol Pol*, 1989, 32:57-60.
15. Lizarzaburu JL., Palinkas LA. Immigration, acculturation, and risk factors for obesity and cardiovascular disease: a comparison between latinos of peruvian descent in peru and in the united states, *Ethn Sis*: 2002, 12, 342-52.
16. Alemzadeh R, Wayatt DT. Diabetes Mellitus in Children. In: Behrman RE, Kliegman RM, Nelson HB. Nelson Textbook of Pediatrics. 17th ed. Philadelphia, Saunders 2004: 1947-1972.
17. Yasien N, Jarrah S, Petro-Nutas W, Jaber R, Terzi N, Froelicher ES, Khawajah E. Obesity Indices and their Relationship to Cardiovascular Risk Factors in Young Adult Group. The Bahrain Medical Society 2010; 22(4): 133-137.
18. Grundy SM, Brewer HB Jr, Cleeman JI. Definition of metabolic syndrome: Report of the national heart, lung, and blood institute, American Heart Association conference on scientific issues related to definition. *Circulation* 2004: 109-433.
19. Kanungo T, Mount D, Netanyahu N, Piatko C, Silverman R, Wu A. An Efficient k-Means Clustering Algorithm: Analysis and Implementation. *IEEE Transactions on pattern analysis and machine intelligence* 2002; 24(7): 881-892.
20. Lunn D, Spiegelhalter D, Thomas A, Best N, The BUGS project: evolution, critique and future directions (with discussion). *Stat Med* 2009; 28: 3049–3082.
21. Ferguson TS, A Bayesian analysis of some nonparametric problems. *Ann Stat* 1973; 1: 209–230.
22. Blackwell D. and MacQueen JB, Discreteness of Ferguson selections. *Annals of Statistics* 1973; 1: 365-358.
23. Sethuraman J. A constructive definition of Dirichlet priors. *Statistica Sinica* 1994; 4: 639-650.

A Bayesian semi-parametric approach to regression clustering of Iranian children and adolescence based on risk of cardiovascular disease and diabetes

Elaheh Shams ¹, Reyhaneh Rikhtehgaran ², Roya Kelishadi ³

Original Article

Abstract

Background: In this paper, we study the Regression clustering using Dirichlet processes to achieve a comprehensive insight about the status of children and adolescence's health based on Iranian national studies. This clustering approach, as well as removing the effects of troubrous factors in clustering and obtaining more accurate analysis, estimates the number of clusters and their patterns. In the present study, subjects of the sample are clustered according to the cholesterol index and fast blood sugar (FBS) which are known as risk factors of cardiovascular disease and diabetes. Furthermore, the effect of the anthropometric index, category of age and sex on clustering are evaluated.

Methods: To estimate unknown parameters of model, in a Bayesian approach, we adopt Markov chain Monte Carlo simulation methods using OpenBUGS software. In addition, to get a correct view of the number of patterns on the risk of cardiovascular disease and diabetes based on FBS and the cholesterol index, the Dirichlet Process is applied.

Findings: The anthropometric index, category of age and sex as explanatory variables were entered in the model and effects of them were removed. Then, three clusters were obtained. Percentages of allocated subjects to clusters one to three are 47 % (1310 persons), 4% (112 persons) and 49% (1366 persons), respectively. Analyzing the first and the third quantiles of the FBS and the cholesterol index in each cluster, it is revealed that the allocated subjects to the third cluster, who consist a significant part of the sample, are assumed to be at the risk of both cardiovascular disease and diabetes. Moreover, people in the first cluster have normal levels of FBS and the cholesterol index and the subjects allocated to the second cluster have dangerous level of FBS and normal level of the cholesterol index.

Conclusion: In clustering of children and adolescence based on FBS and the cholesterol index, category of age, sex and the anthropometric index were known as influential factors on estimating the number of clusters and creating their structures. Also, three clusters are obtained based on this study: subjects with the safe status, subjects at the risk of diabetes and subjects at the risk of both cardiovascular disease and diabetes.

Key Words: Regression Clustering, Dirichlet Process, Bayesian Approach, Food Blood Sugar, The Cholesterol Index.

Citation: Shams E, Rikhtehgaran R, Kelishadi R. A Bayesian semi-parametric approach to regression clustering of Iranian children and adolescence based on risk of cardiovascular disease and diabetes. J Health Syst Res 2015; 11(2): 422-434

Received date: 19.06.2015

Accept date: 26.08.2015

1. MSc Student, Department of Mathematical Sciences, Isfahan University of Technology, Isfahan, Iran
2. Assistant, Department of Mathematical Sciences, Isfahan University of Technology, Isfahan, Iran (Corresponding Author)
Email: r_rikhtehgaran@cc.iut.ac.ir
3. Professor of Pediatrics, Faculty of Medicine & Child Growth and Development Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran